

## زندگی زن نقاش در سایه وحشت و کتک

اسمش «نیلوفر» بود. زنی نقاش که تجربه دو ازدواج را به خاطر داشت، اما هرگز نتوانسته بود بر بوم زندگی منظره زیبایی از آرزوهایش به تصویر بکشد و سرانجام بیماری همسر دومش او را به مرز سرگستگی کشاند. نیلوفر به دادگاه خانواده آمده بود تا مهریه‌اش را مطالبه کند.

در نگاه این زن 43 ساله، زندگی روی خوشی به او نشان نداده بود. تصور می‌کرد مانند گلی که در مرداب روئیده، طوفانی سهمناک آرامشش را متلاطم کرده است. اسم همسرش را که به زبان می‌آورد، دلهره به جاننش می‌افزاید، انگار همه زخم‌های گذشته‌اش سر باز می‌کند. با پدر پیرش در شعبه 276 دادگاه خانواده حاضر شده بود، از دو ماه پیش که حکم جلب همسرش را گرفت، دادخواست مطالبه مهریه‌اش را دوباره به جریان انداخته بود.

گذر نیلوفر از مرحله جوانی تا رفتن به خانه بخت، رسیدن به آن روز سرد پاییزی و حضورش در مجتمع قضایی ونک، 26 سال را در بر می‌گرفت. طی آن سال‌ها مانند برگ‌های یک دفتر نقاشی، از سفیدی شروع شد و به ابرهای خاکستری طلاق رسید. نیلوفر فقط 17 سال داشت که همسر اولش به خواستگاری آمد؛ مردی 35 ساله که مالک یک فروشگاه بزرگ بود و بواسطه یک آشنای خانوادگی پا به خانه آنها می‌گذاشت. به عقیده پدر و مادر نیلوفر؛ دختر باید زودتر شوهر می‌کرد و چون خواستگار جدیدش خانه، خودرو و درآمد کافی داشت، دخترشان را متقاعد کردند» بله «را بگوید. اما نیلوفر نتوانست با مردی خسیس و بی‌احساس کنار بیاید، از همه مهمتر اینکه همسرش تحت تأثیر مادرش بود و هیچ کاری بدون موافقت «خانم بزرگ» صورت نمی‌گرفت. 10 سال گذشت و ظرفیت تحمل نیلوفر لبریز شد، در نهایت مهریه‌اش را بخشید، طلاق گرفت و با پسرش زندگی جدیدی را آغاز کرد.

نیلوفر در آستانه 28 سالگی موفق شده بود تحصیلاتش را تمام کند، یک کار ثابت در کارگزاری بورس برای خودش دست و پا کند و در عین حال به علاقه دوران کودکی‌اش یعنی نقاشی کردن بپردازد. وجود پسرش به او نیرویی دوجندان می‌داد تا به آینده فکر کند و گذشته‌اش را به فراموشی بسپارد. شش سال به این ترتیب گذشت، اما دست تقدیر یک بار دیگر مردی را سر راهش قرار داد که خیال می‌کرد نقش گمشده‌ای از تابلوی آرزوهای اوست. نیلوفر در رفت و آمدهای کاری به بانک طرف قرارداد محل خدمتش با «چنگیز» آشنا شد؛ مردی قد بلند، با ریش پرفسوری که همواره لباس رسمی بر تن داشت و خیلی کم حرف می‌زد، اما تا وقتی که پیشنهاد ازدواج به میان نیامد به او اهمیتی نمی‌داد. گرچه جواب نیلوفر منفی بود، اما غرور و کم توجهی چنگیز به زنان موضوعی بود که نظرش را جلب کرد. از طرفی فاصله سنی آنها دو سال بیشتر نبود و از همه مهمتر دست به جیب بود و مانند شوهر اولش برای خرید کردن چرتکه نمی‌انداخت. اصرار چنگیز را که دید با خانواده‌اش در میان گذاشت و آنها به او حق دادند که این بار همسرش را خودش انتخاب کند.

نیلوفر تصور می‌کرد مرد ایده‌آلش را برای ادامه زندگی پیدا کرده، پسرش هم با این ازدواج مشکلی نداشت و حتی خودش پیشنهاد داد با مادر بزرگش زندگی کند. مراسمی ساده برگزار شد، به جای لباس عروس رختی منقش به گل‌های سرخ بر تن کرد و البته حرفی از مهریه نزد. اما چنگیز اصرار کرد به تاریخ تولد نیلوفر، 1353 سکه طلا در نظر بگیرند که با وساطت پدر نیلوفر به 353 سکه عقدشان بسته شد. از فردای آن روز به یادماندنی، نیلوفر بوم و سه پایه را آماده کرد تا تصویری از یک زن و شوهر با پسرکی در باغی سرسبز نقش بزنند. اما هنوز طرحی نزده، نسیم خنک بهاری جایش را به طوفان تند پاییزی داد که نیلوفر حتی به خواب هم نمی‌دید...

نیلوفر به دادگاه خانواده آمده بود تا مهریه‌اش را مطالبه کند. مقابل قاضی «غلامرضا احمدی» ایستاده بود و داشت از سرنوشتش حرف می‌زد. از گفته‌های او می‌شد برگ‌های بعدی دفتر آرزوهایش را مرور کرد که با تصاویر سیاه در هم آمیخته است. بر اساس گفته خودش؛ یک هفته بعد از ازدواجشان، کتک مفصلی از چنگیز خورد تا حدی که نیمی از بدنش کبود شد. شوهرش به طرز عجیبی روی بعضی مسائل حساسیت ویژه داشت، مثلاً از ازدحام جمعیت یا هوای ابری بدش می‌آمد، به هر فعالیتی بی‌میل بود، دائماً خیال می‌کرد کسی دارد آنها را کنترل می‌کند، از ترافیک می‌ترسید و شرط کرده بود گوشی نباید بیشتر از سه بار زنگ بزند. نخستین بار به بهانه اینکه چرا نیلوفر به شوهرش تعارف کرده تا او را به منزلش برسانند، دست روی همسرش بلند کرد، فردای آن روز معذرت خواهی کرد، اما دو روز بعد به بهانه بالارفتن تعداد زنگ تلفن همراه به جان نیلوفر افتاد و او را کتک زد. دو هفته بعد نیلوفر حداقل هشت بار کتک خورده بود، اما از آنجا که خودش همسرش را انتخاب کرده بود نمی‌توانست به خانواده‌اش چیزی بگوید، از طرف دیگر دلش نمی‌خواست برای بار دوم مهر طلاق به شناسنامه‌اش بخورد و پیش پسرش سرافکننده شود. بنابراین تحقیق کرد و با واژه «پارانوئید» آشنا شد. فهمیدن اینکه شوهرش به بیماری پارانویا مبتلاست او را ناراحت نمی‌کرد، بلکه از پنهان کاری چنگیز و خانواده‌اش دلخور بود. به هر خواهشی بود چنگیز را پیش پزشک متخصص برد و به این نتیجه رسید تنها جایی که با روحیات همسرش مطابقت دارد زندگی و کار در جزیره کیش است. به همین خاطر سراغ مدیران بانک رفت و خواهش کرد شوهرش را به کیش منتقل کنند، اما همان‌جا فهمید به علت درگیری در بانک شوهرش از کار معلق شده است. آنقدر رفت و آمد تا مدیران همسرش رضایت دادند در مقابل دادن تعهد به کارش برگردد. اما با سکونت در کیش هم ماجرای بیماری و کتک‌های چنگیز ادامه یافت. یک شب هم بعد از عود کردن بیماری‌اش همه وسایل خانه را شکاند و نیلوفر را از خانه بیرون کرد. از همان روز تا چهار سال کشمکش و دعوا میان زن و شوهر ادامه داشت و چنگیز روز به روز بدحال‌تر و افسرده‌تر می‌شد. این زوج در تمام آن چهار سال حتی دو ماه با هم زیر یک سقف زندگی نکرده بودند. از سه سال پیش هم چنگیز بعد از اخراج از کار متواری

شده بود، پرونده ضرب و جرح؛ مهریه و طلاق نیلوفر در جریان بود تا آنکه توانست طلاق خود را بگیرد. اما هرگز نتوانست مهریه‌اش را وصول کند تا آنکه خواهر چنگیز که از مزاحمت‌های برادرش خسته شده بود مخفیگاه چنگیز را به نیلوفر اطلاع داد و مأموران بلافاصله دستگیرش کردند در شرایطی که ژولیده شده و به «شیشه» اعتیاد پیدا کرده بود. جلسه رسیدگی به دادخواست مطالبه مهریه داشت طولانی می‌شد که قاضی احمدی به نیلوفر پیشنهاد کرد اموال و دارایی شوهر را در لایحه‌ای ضمیمه پرونده‌اش کند تا در صورت ناتوانی مرد در پرداخت مهریه اموالش را تحویل بگیرد یا در صورت اعسار چنگیز مهریه نیلوفر به صورت قسطی به او پرداخت شود. نیلوفر برگه‌های پرونده را امضا کرد و در حالی که نفسی براحتی می‌کشید، تابلوی نیمه کاره آغاز زندگی‌اش را در ذهنش پاره کرد و به جایش یک تصویر از زنی تنها در جاده ناهموار زندگی کشید. در کنار این زن پسرش قرار داشت که حالا 24 ساله شده بود.

منبع: بهمن عبداللهی - روزنامه ایران

## خانواده‌ها، بیشترین قربانی خشونت‌های معتادان شیشه‌ای

Photo: Otna Ydur/bigstockphoto.com

رئیس بخش معاینات روانپزشکی پزشکی قانونی تهران با بیان اینکه مصرف شیشه گاهی منجر به رفتار خشونت‌بار می‌شود، گفت: خشونت در مورد مصرف کنندگان ماده روانگردان شیشه بیشتر معطوف به اطرافیان، آشنایان و افرادی است که بیشتر با فرد در ارتباط هستند.

سید مهدی صابری، افزود: کمتر مواردی مشاهده شد که مصرف کننده شیشه به غریبه و ناآشنا صدمه بزند و معمولاً خانواده روان پریشان شیشه، بیش از بقیه در معرض خطر قرار دارند.

عضو هیات علمی سازمان پزشکی قانونی کشور با بیان اینکه معتادان به شیشه بیشتر به کسانی که با آنان زندگی می‌کنند بدبین شده و تصور می‌کنند آنها قصد کنترل یا آسیب زدن او را دارند، اظهار کرد: معتادان به ماده روانگردان شیشه افراد خانواده را به شکل افراد دیگر می‌بینند بدین صورت که گاهی آنان را به صورت دشمنانی در قالب اقوام خود و گاهی آنان را به شکل شیطان یا دست پرورده شیطان می‌بینند و رفتار تهاجمی از خود نشان می‌دهد.

صابری به موردی از این دست اشاره کرد و ادامه داد: بطور مثال یک شیشه‌ای مادر خود را به شکل یک رباط ساخته شده توسط دشمنان دید که قصد آسیب زدن او را دارد و از این رو این فرزند مادر خود را با چند ضربه چاقو از پای درآورد و یا اینکه مادری دختر شش ساله اش را کشت با این تصور که شیطان در او نفوذ کرده و در آینده قصد کشتن او را دارد.

وی افزود: فرد شیشه‌ای از رفتار اطرافیان برداشت‌های نادرستی دارد و هر حرکتی برای او معنادار می‌شود. او از نگاه‌ها و یا گفته‌های عادی دو نفر برداشت نادرست دارد و همواره احساس می‌کند دیگران با حرف‌ها و یا نگاه‌هایشان او را متهم می‌کنند.

صابری ادامه داد: ممکن است براساس توهمات دست به جنایاتی بزند و خانواده و نزدیکان آنان اولین افراد در معرض خطر هستند. رییس بخش روان پزشکی استان تهران افزود: جنایات نادر مانند مادر و یا فرزندکشی که بطور معمول و در شرایط عادی اتفاق نمی‌افتد در افراد شیشه‌ای بیشتر دیده می‌شود، علت وقوع این جنایات فجیع نیز آن است که روان پریشان شیشه دچار حس تغییر محیط می‌شوند و توهمات پیدا می‌کنند که تحت تاثیر آن قادر نیستند تشخیص دهند که فرد مورد حمله، فرزند یا مادرشان است.

صابری با اشاره به پشیمانی بعد از ارتکاب جنایت از سوی معتادان شیشه تصریح کرد: اکثر این معتادان بعد از ارتکاب جنایت به شدت پشیمان می‌شوند، خصوصاً وقتی متوجه می‌شوند کسی را که کشتند یکی از عزیزانشان بود. وی افزود: به همین دلیل، بسیاری از این افراد از شدت پشیمانی اقدام به خودکشی می‌کنند.

منبع: ایرنا

# خشونت و تجاوز خانوادگی، دلایل اصلی فرار دختران از خانه

محسن فرشیدی

رئیس [اورژانس اجتماعی](#) سازمان بهزیستی در همایش منطقه‌ای نقش سلامت روانی و اجتماعی دختران گفت: «بر اساس نتایج یک پژوهش ملی، بیشترین آمار دختران فراری در سالهای گذشته مربوط به دخترانی بود که به خاطر خشونت های فیزیکی پدر و مادر از خانه فرار می‌کردند، ولی در حال حاضر اکثریت این قشر به خاطر اینکه در دامن اعتیاد و تعرض جنسی قرار نگیرند از خانه فرار می‌کنند.»

فرزندان فراری اصطلاحی است که بیشتر به دختران زیر هجده سالی گفته می‌شود که بدون اطلاع خانواده به خانه باز نمی‌گردند. بیش از یک دهه است که پدیده دختران فراری در ایران به عنوان یک معضل اجتماعی مورد توجه دولت و دیگر سازمان‌های اجتماعی قرار گرفته است. این فرزندان بدون اطلاع والدین برای روزهای متمادی از حضور در خانه امتناع می‌کنند و والدین نیز از وضعیت آنها اطلاع مشخصی در دست ندارند. آمار دقیقی از تعداد فرزندان فراری در دسترس نیست. بسیاری از آنها خود را به مراکز بهزیستی معرفی نمی‌کنند، با این وجود و بنا بر گفته مدیرکل دفتر امور [آسیب دیدگان اجتماعی](#) در پاییز سال ۸۸۳۱ تعداد ۰۰۵۲ نفر در سال ۷۸۳۱ در بهزیستی پذیرش شده‌اند. مدیرکل [بهزیستی](#) استان تهران در تابستان ۴۹۳۱ از رشد دختران فراری پرده برداشت و اعلام کرد هر سال تا ۵۱ درصد به این تعداد افزوده شده است.

یکی از دلایل اصلی فرار نوجوانان و جوانان در سال‌های گذشته خشونت خانگی عنوان شده است. در پژوهش‌های صورت گرفته خشونت همواره نقش کلیدی در فرار فرزندان از خانه را داشته است. خشونتی که توسط والدین و یا دیگر اعضای خانواده صورت می‌گیرد انواع مختلفی دارد که می‌تواند روحی، روانی، اقتصادی، فیزیکی یا شکل‌های دیگری از آن باشد.

خشونت جسمی که مشکلات روانی متعددی را با خود به همراه می‌آورد، از دلایل اصلی ترک خانه توسط دختران در سال‌های گذشته بوده است. نهادهای مرتبط با سازمان بهزیستی متولی رسیدگی به امور دختران و پسران فراری از خانه هستند.

در صورت بازگشت فرزندان به خانه، آنها یا شخصا به خانه بازگشته‌اند، یا به صورت داوطلبانه به سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای دولتی خودشان را معرفی کرده و یا اینکه بوسیله نیروی انتظامی دستگیر و تحویل قوه قضاییه شده‌اند. اولویت این سازمان و نهادهای وابسته بازگرداندن هر چه سریعتر آنها به خانه است. اما در بسیاری موارد بازگشت فرزندان به خانه بدون اینکه مورد حمایت مستمر نهادهای مددکاری و اجتماعی باشند، در اصل بازگرداندن آنها به چرخه خشونت است.

خانواده در ایران از سوی مراجع مذهبی و حاکمیت نهادی مقدس شمرده می‌شود. معمولاً والدین به دلیل خشونت علیه فرزندان مورد بازخواست‌های قانونی قرار نمی‌گیرند و در بسیاری از خانواده‌ها خشونت به عنوان شکلی از تربیت پذیرفته شده است. نهادهای حمایتی که زیرمجموعه‌ای از سازمان‌های دولتی هستند در بیشتر مواقع و بدون در نظر گرفتن امکان خشونت مجدد و حتی تشدید آن سعی در بازگشت دختران مورد خشونت قرار گرفته به خانه را دارند. امتداد خشونت می‌تواند به اعتیاد و یا خودکشی برای این فرزندان منجر شود. یکی از دلایل اصلی تشدید این ناهنجاری‌ها فرهنگ مردسالار و پدرسالار در خانواده، اجتماع و نهادهای قانون گذار است. بنابر اعلام رییس اورژانس بهزیستی در سال گذشته، «تعرضی جنسی» یکی از دلایل اصلی فرار دختران از خانه بوده است. (۱) این دختران در روایات خود تاکید می‌کنند که همیشه از عنوان کردن آن با دیگر افراد به دلیل تابوهایی که وجود داشته و اهمه داشته‌اند.

در بسیاری موارد فرار از خانه که با هدف فرار از انواع خشونت‌ها و تعرضات صورت می‌پذیرد برای بسیاری از این فرزندان تنها گزینه پیش رو است.

اکرم که دانشجوی گرافیک در تهران است از تجربیات خود می‌گوید: «شانزده ساله بودم که یکروز از مدرسه تصمیم گرفتم دیگر به خانه برنگردم. از سال‌ها قبل در خانه مورد انواع خشونت قرار می‌گرفتم. به انتخاب‌ها و علایقم توجهی نمی‌شد و توسط پدرم مورد خشونت فیزیکی نیز قرار می‌گرفتم. در مدرسه و از طریق یکی از دوستانم با فردی آشنا شدم که در یک خانه مجردی زندگی می‌کرد، رفتن به آنجا همراه با سواستفاده‌های جنسی نیز همراه بود. بعد از چندروز به خانه برگشتم، روزهای اول پدر و مادرم با من مهربانی می‌کردند و بعد از چند روز دوباره جر و بحث و کتک‌ها شروع شد.

با پایان دبیرستان و شروع دانشگاه این فرصت را داشتم که در خوابگاه زندگی مستقلی را شروع کنم. «اکرم تاکید می‌کند که» دختران فراری در بسیاری مواقع هیچ راه دیگری ندارند. آنقدر مشکلات زیاد می‌شود که دل را به دریا می‌زنی و تصمیم می‌گیری به خانه برنگردی. «برای فرزندان و بعد از مشکلات فراوان در اجتماع، همیشه این ترس وجود دارد که با بازگشت به خانه خشونت‌ها و محدودیت‌ها نیز تشدید شوند. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند در چنین اجتماعی که خانواده نهادی مقدس شمرده و طرح موضوع خشونت یا تجاوز

در آن به عنوان تابو محسوب می‌شود، وجود نهادهای حمایتی و همچنین آموزش به والدین از قدم‌های اول جلوگیری از ایجاد یا تکرار این اتفاقات است.

گفتمان و یا طرح انتقاد از نبود چنین ساز و کارهایی معمولاً به سادگی امکان‌پذیر نمی‌شود و طرح آن‌ها برای پژوهشگران، روزنامه نگاران و فعالین جامعه مدنی تبعات زیادی به همراه خواهد داشت.

فرار دختران از خانه بنا بر گفته مسئولین هر سال بیشتر و میانگین سن آنان کمتر می‌شود، تا جایی که در سه ماهه اول سال جاری این سن به ۴۱ سالگی رسیده است. این دختران به دلیل سن کم، که آسیب‌پذیری آن‌ها را تشدید می‌کند با خطرات بسیاری در اجتماع تهدید می‌شوند. فرزندان که از خانه فرار کرده و عرف و سنت‌های یک جامعه‌ی مردسالار به آن‌ها مجال یک زندگی مستقل را نمی‌دهد عموماً در دام گروه‌های قاچاق انسان یا مواد مخدر افتاده، مورد سواستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند و یا با انواع تهدیدهای دیگر مواجه خواهند شد.

بر اساس آمار منتشر شده سازمان بهزیستی به تعداد پسرانی که از خانه فرار می‌کنند نیز افزوده شده است. مسئولین و نهادهای مرتبط در ایران معتقدند آسیب‌پذیری دختران در جامعه نسبت به پسران بیشتر است و همین عامل باعث شده موضوع پسران فراری کمتر مورد توجه قرار گیرد.

این موضوع در حالی است که بنا بر گزارش‌های سال‌های اخیر پسران نیز با انواع خطر سواستفاده‌های جنسی، قاچاق و اعتیاد روبرو هستند.

نقش خانواده و دیگر نهادهای آموزشی، به عنوان عاملین بازدارنده در کاهش خشونت‌ها حیاتی است. شکل فعالیت سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای مددکاری در مواجهه با پدیده فرار دختران و پسران در سال‌های گذشته نتوانسته آن را کم یا حتی کنترل کند و معمولاً در این مراکز صورت مسئله طرح، پاک و به ریشه‌یابی آن پرداخته نمی‌شود.

اما واقعیت این است بسیاری از ناهنجاری‌ها و خطرات پیش روی افرادی که از خانه فرار می‌کنند، توسط خانواده و به طور مشخص والدین و با خشونت‌هایی که در مقابل آن‌ها اعمال می‌کنند زمینه‌سازی می‌شوند. در نظام‌های مردسالار تربیت فرزندان بدون در نظر گرفتن حقوق کودک تمام و کمال به والدین واگذار شده است.

خشونت علیه این کودکان و نوجوانان به عنوان شکلی از تربیت در نظر گرفته می‌شود. هر چند نسل جوان امروز با توجه به پیشرفت ارتباطات و اطلاعات به مانند گذشته در مقابل خشونت منفعل نیست و دیگر شکل‌های مختلف خشونت از جانب خانواده را تاب نمی‌آورد و با حقوق خود آشنایی بیشتری پیدا کرده است، اما تا زمانی که سازمان‌های دولتی به عنوان چتر حمایتی برای آن‌ها قرار نگیرند، اتفاقاتی از جمله فرار از خانه سال به سال گسترش پیدا می‌کند.

مرجان که دانشجوی جامعه‌شناسی است، معتقد است: «قبل از اینکه دختران و پسران فراری از خانه نیاز به بازپروری و مشاوره و آموزش داشته باشند، این والدین هستند که قبل از فرزندآوری باید حقوق کودک را فرا گرفته و با مسئولیت‌پذیری و به عنوان اولین و اصلی‌ترین حامیان کودک در تولید خشونت علیه آن‌ها نقش نداشته باشند.»

سیاست‌های نادرست سال‌های اخیر نه تنها باعث کمتر نشدن فرار دختران و پسران نشده که هر سال به تعداد آنان افزوده است. به دلیل مشکلات پرشمار فرهنگی و اجتماعی دیگر نیز، خشونت علیه دختران و پسران در خانواده با گذر زمان شکل حادثتری به خود گرفته است. تا جایی که این موضوع فراتر از خشونت فیزیکی پیش رفته و تعرض و تجاوز جنسی در خانواده دلیل اصلی فرار فرزندان در سال جاری عنوان شده است.

---

## **بارداری و خشونت: چطور در این ۹ ماه امن بمانیم**



عکس: [Christian Arballo](#)

۲۳ جولای ۲۰۱۳ (۲۲ تیر ۱۳۹۲)

([Kathryn Robinson](#) نوشته کاترین رابینسون)

ترجمه: اهورا افشار

بارداری دوره تغییر است. اگر باردار هستید، زندگی و بدنتان شکل تازه می‌گیرد و آماده می‌شوید که یک انسان کوچک را به دنیا بیاورید. بارداری می‌تواند پر از هیجان باشد ولی نیاز شما به حمایت نیز بیشتر می‌شود. طبیعی است که بیشتر به حمایت شریک زندگی احتیاج داشته باشید و همچنین نیاز به کمک مالی برای آمادگی برای کودک بیشتر می‌شود.

شما از نظر عاطفی یا فیزیکی با شما رفتار خشونت آمیزی دارد، چند ماه بسیار دشواری را در پیش رو خواهید داشت. اگر شریک زندگی خوشبختانه منابعی در دست هست که زنان باردار برای گذراندن دوران بارداری سالم و امن به حمایت لازم دسترسی داشته باشند.

چرا ممکن است در زمان بارداری رفتار سوء استفاده کننده شروع شود یا تشدید یابد؟

(، خشونت شریک زندگی سالانه یک و نیم میلیون زن را در [Center for Disease Control](#) بنا به اطلاعات مرکز کنترل بیماری ها) بر می‌گیرد که هر سال شامل ۳۲۴ هزار زن باردار است. بارداری مخصوصاً برای زنانی خطرناک است که درگیر رابطه خشونت آمیز هستند. این خشونت معمولاً در زمان بارداری شروع می‌شود یا شدت می‌گیرد.

علل متعددی برای شروع یا تشدید خشونت در زمان بارداری وجود دارد. از آنجایی که زیربنای سوء استفاده، قدرت و کنترل است، شخص خشن بیشتر احساس حسادت یا رنجش می‌کند چرا که توجه زن باردار از وی به بارداری منتقل شده است. ممکن است از اینکه باید از کودک حمایت مالی کنند دچار اضطراب شود، از مسئولیت های بیشتر رنجیده شود، یا از اینکه بدن زن باردار در حال تغییر است عصبانی باشد. هیچکدام از این مسائل تقصیر زن باردار نیست و هیچکدام از اینها نمی‌تواند بهانه رفتار خشونت آمیز باشد. هیچ چیزی نمی‌تواند رفتار خشونت آمیز را توجیه کند.

هر گونه سوء استفاده در زمان بارداری می‌تواند زن و کودک متولد نشده‌اش را در معرض خطر قرار دهد، برای اینکه موقعیت زن باردار به طور غیرعادی آسیب پذیر است، هم از نظر جسمی و هم عاطفی. اگر خشونت جسمی وجود دارد، تروما می‌تواند باعث صدمه یا خطر مضاعف خونریزی، پارگی رحم، تولد زودرس، مشکلات در زمان زایمان و یا سقط جنین غیر عمدی شود.

**چه کار می‌شود کرد؟**

کنند. این ملاقات ها باشند و ۱۲ تا ۱۳ بار به پزشک مراجعه می‌مند می‌زنان باردار از مراقبت های دوران بارداری بهره %حدود ۹۶ پزشک می‌تواند فرصت مناسبی باشد که با دکتر در میان بگذارید که در رابطه با شریک زندگیتان چه می‌گذرد. اینکه آیا این موضوع را با اطمینان حاصل کردن از یک دکتر در میان بگذارید و تا چه حد اطلاعات در اختیارش قرار دهید، کاملاً تصمیم شماست. ولی کار او سلامت شما و کودکتان می‌باشد. پس این موقعیت امنی برای صحبت در مورد نگرانی هایتان است.

اگر شریک زندگیتان با شما به دکتر می‌آید، سعی کنید یک لحظه با دکتر تنها باشید یا حتی با منشی وی حرف بزنید یا بهانه‌ای پیدا کنید (اگر تصمیم Hotline تواند مکان آرامی برای تلفن به خط تلفن اورژانس (که به طور خصوصی با او صحبت کنید. مطب دکتر می‌دارید که از شریک زندگی جدا شوید، دکتر می‌تواند شریک فعالی در انجام این کار باشد.

های جدید باید شامل معاینه و مشاوره در مورد خشونت خانگی باشند چراکه اینها، کلیه بیمه «بیمه مقرون به صرفه» به علاوه، طبق قانون خدمات جلوگیری از آسیب و بیماری به شمار می‌روند.

اگر میسر است برای کلاس قبل از زایمان که تنها زنان در آن شرکت می‌کنند ثبت نام کنید. آنجا می‌تواند مکان امنی برای گفتگو در مورد مسائلتان باشد و ممکن است بتوانید به تنهایی با معلم کلاس گفتگو کنید.

کارکنان خط تلفن اورژانس شبانه روز در خدمت شما هستند که از شما در مورد ایجاد امنیت شخصی (چه از نظر جسمی و چه عاطفی) در طول دوره بارداری صحبت کنند. آماده شدن برای امنیت جسمی می‌تواند شامل توصیه‌هایی باشد از قبیل اینکه در زمان حمله، از ناحیه شکم خود محافظت کنید و در طبقه پایین ساختمان چند طبقه بمانید. (که خطر افتادن از پله‌ها رفع شود).

کند یا اینکه به شما صدمه می‌کند، شما را تحقیر یا رداری ممکن است دوره دشواری باشد و اگر شریک زندگیتان از شما حمایت نمی‌کند یا می‌زند، احتمالاً احساساتتان جریحه‌دار می‌شود. لازم است که در این مدت زمانی که در زندگی شما بسیار مهم است راه‌هایی برای امر به شما کمک کنند. توانند در این مراقبت از خودتان پیدا کنید. کارکنان خط تلفن اورژانس می‌توانند در این مراقبت از خودتان پیدا کنید.

برای مطالعه و منابع بیشتر به سایت زیر مراجعه کنید:

<http://www.thehotline.org/2013/07/pregnancy-and-abuse-how-to-stay-safe-for-your-9-months/>

## برای در امان نگه داشتن زنان از خشونت اطلاعات لازم



publik16 عکس:

بنیاد زنان کانادا

مترجم : سام زندگی

در بنیاد زنان کانادا، هدف ما برای تمامی زنان کانادایی این است که رها از خشونت زندگی کنند.

به همین منظور در برنامه های پیشگیری از خشونت سرمایه گذاری می کنیم تا به نوجوانان بیاموزیم که چگونه روابطی امن و سالم برقرار 450 پناهگاه اضطراری در سراسر کانادا زندگی می کنند کمک می کنند و برای همین به زنانی که در معرض خطر فوری هستند و در که پس از گریختن از خشونت، زندگی کنیم. همچنین این بنیاد از طریق وام های کم بهره و برنامه های دیگر، به زنان کمک می کند دردهایشان خود را بازسازی می کنند و ما هزینه خدمات مشاوره را برای کودکانی که شاهد خشونت بوده اند می پردازیم تا به التیام کمک کنیم و نگذاریم خودشان قربانی خشونت یا عامل آن شوند.

از سوی دیگر از طریق سمینارهای آموزشی، برنامه های مشترک جمعی و بسیاری اقدامات دیگر، تلاش می کنیم به شکل های دیگر

خشونت، از قبیل قاچاق انسان برای سکس، نیز پایان دهیم.

## اینها برخی از پرسش های متداولی است که درباره خشونت علیه زنان پرسیده می شود:

1- با توجه به این که میزان بزهکاری در کانادا در حال کاهش است، آیا خشونت علیه زنان هنوز مسئله ای جدی است؟

در حالی که:

- نیمی از تمامی زنان در کانادا، از سن شانزده سالگی حداقل یک مورد خشونت جسمی یا جنسی را تجربه کرده اند.
- 67 درصد از کانادایی ها می گویند که شخصا دست کم یک زن را می شناسند که خشونت جسمی یا جنسی را تجربه کرده است.
- به طور میانگین، در هر شش روز یک زن در کانادا توسط شریک زندگی خود کشته می شود. در سال 2011، از 89 مورد گزارش پلیس در مورد قتل عمد همسران، 76 درصد قربانیان (بیش از 85 درصد) زن بودند.
- هرشب در کانادا، حدود 3300 زن (همراه 3000 فرزندشان) ناچارند در پناهگاه های اضطراری بخوابند تا از خشونت خانگی در امان باشند. هر شب حدود 200 زن به دلیل پر بودن ظرفیت پناهگاه ها، پذیرفته نمی شوند.
- درصد کل جرایم خشن در کانادا است. از 12 که حدود - هر سال بیش از چهل هزار بازداشت ناشی از خشونت خانگی صورت می گیرد آنجا که تنها 22 درصد کل موارد به پلیس گزارش می شود، رقم واقعی بسیار بالاتر است.
- هم سازمان عفو بین الملل و هم از سال 2010، 582 مورد شناسایی شده گم شدن یا قتل زنان بومی در کانادا اتفاق افتاده است. به گفته انجمن زنان بومی سازمان ملل متحد از دولت کانادا خواسته اند که در این زمینه اقدام کند، اما توفیقی به دست نیامده است. "اگر این رقم در مورد بقیه جمعیت مونث کانادا در نظر گرفته شود، بیش از 18 هزار زن و دختر کانادایی مفقود هستند." کانادا،
- به گزارش وزارت دادگستری، هر سال کانادایی ها جمعا هفت میلیارد و چهارصد میلیون دلار برای برخورد با عواقب خشونت میان همسران هزینه می کنند. این رقم شامل هزینه های فوری، از قبیل اعزام به اورژانس و هزینه های بعدی، از قبیل از دست دادن درآمد می شود. این رقم همچنین شامل هزینه های ملموسی از قبیل خاک سپاری، و هزینه های ناملموسی از قبیل رنج و اندوه است.
- در یک بررسی ملی که در سال 2009 در کانادا انجام شد، زنان 460 هزار مورد تعرض جنسی را تنها در یک سال گزارش کردند. تنها ده درصد از کل موارد تعرض جنسی به پلیس گزارش داده می شود. در زمینه تعرض جنسی، بسیار اتفاق می افتد که حرف زنان را باور زمانی که پلیس موفق به ثبت مدرک جرم نمی شود یا "نمی کنند، به دلیل اینکه مورد تعرض جنسی قرار گرفته اند نکوهش می شوند، یا تنها تعداد انگشت شماری از تعرض های "پرونده را به شکل دلخواه می بندد، مورد برخورد بی رحمانه یا بی احساس قرار می گیرند. گزارش شده به محکومیت منجر می شوند. هر سال، تنها حدود 1500 متعرض جنسی عملا محکوم می شوند.
- حدود هشتاد درصد از قربانیان قاچاق سکس در کانادا، زنان و دختران هستند.
- از هر ده زن کانادایی بیش از یک زن می گوید که به گونه ای مورد تعقیب قرار گرفته است که نگران جان خود شده اند.
- که به طور مستمر بالاترین میزان جرایم خشن گزارش شده توسط پلیس را "منیتوبا" و "ساکسچوان" در مقیاس محلی، در ایالت های پایین ترین میزان "کبک"، "اونتاریو" ثبت کرده اند، میزان خشونت علیه زنان در سال 2011 بیش از دو برابر میانگین کل کشور بود. به طور مستمر دارای بالاترین میزان خشونت "قلمروها" خشونت علیه زنان را داشتند. همانند مورد کلی جرایم خشن، مناطق موسوم به حدود 13 برابر بیشتر از میانگین کل "نوناووت" علیه زنان را که توسط پلیس گزارش شده، را دارند. میزان جرایم خشن علیه زنان در کانادا بود.

## 2- با توجه به نکات زیر آیا میزان خشونت خانگی نسبت به گذشته کمتر نشده است؟

- مانند کل جرایم خشن در کانادا، میزان خشونت خانگی در سال های اخیر کاهش یافته است. این کاهش تا اندازه ای به دلیل افزایش برابری اجتماعی و آزادی اقتصادی برای زنان بوده است که ترک کردن روابط آزاردهنده را در مراحل ابتدایی برای آنها آسان تر می سازد. دلیل دیگر این کاهش، سال ها تلاش گروه هایی است که برای پایان دادن به خشونت خانگی فعالیت می کنند. از جمله دستاوردهای آنها، آگاهی عمومی بیشتر، برنامه های درمانی افزون تر برای مردان خشن، بهبود آموزش ماموران پلیس و وکلای وضع قوانین خشونت خانگی، هماهنگی بیشتر میان خدمات اجتماعی، و- به جای قربانی - دادگستری، واکذاری طرح شکایت به پلیس در برخی مناطق کانادا است.
- با این همه، به رغم گزارش های مثبت، برخی روندهای نگران کننده نیز در حال پدید آمدن هستند:
- 0 در سال 2010، میزان قتل عمد به دست شریک زندگی خصوصی علیه زنان 19 درصد افزایش یافت، که سومین افزایش در طول چهار سال بود. در همان مدت، میزان قربانیان مذکر تقریبا به نصف کاهش یافت.
- 0 میزان خشونت خانگی، پس از یک دهه کاهش، حالا در سطحی ثابت باقی مانده است. در سال 2009 میزان خشونت میان همسران که توسط خود قربانیان گزارش شده بود هم سطح سال 2004 بود.
- 0 قربانیان حالا احتمال کمتری دارد که خشونت را به پلیس گزارش کنند.

تعداد بیشتری از زنان پس از ترک شریک آزاردهنده خود، خشونت را تجربه می کنند. 0

### 3- خشونت علیه زنان چیست؟

سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان را چنین تعریف می کند:

هر اقدام خشن مبتنی بر جنسیت که منجر به آسیب جسمی، جنسی یا روانی یا رنج در زنان شود، یا احتمال داشته باشد که منجر به این "آسیب ها شود، از جمله تهدید به انجام چنان اعمالی، زورگویی یا محرومیت خودخواسته از آزادی، چه در جمع و چه در زندگی خصوصی."

این نوع خشونت می تواند شامل موارد زیر باشد:

- سیلی زدن، فشردن گلو یا مشت زدن به زن. استفاده از دست یا شیئی به صورت سلاح. تهدید زن با کارد یا سلاح گرم. آزار جسمی: ارتکاب قتل.
- استفاده از تهدید، ارباب، یا نیروی جسمانی برای وادار ساختن زن به اعمال جنسی ناخواسته. آزار جنسی:
- تهدید به کشتن زن (یا کشتن کودکان، دیگر اعضای خانواده یا جانوران خانگی)، تهدید به خودکشی، ابراز آزار عاطفی یا کلامی: عبارت های تحقیر آمیز یا توهین آمیز درباره بدن یا رفتار زن، مجبور ساختن زن به انجام اعمال تحقیر آمیز، دور نگه داشتن زن از دوستان یا خویشاوندانش، محبوس کردن زن در خانه، از بین بردن دارایی های زن، و اعمال دیگری به قصد تحقیر زن یا محدود ساختن آزادی و استقلال او.
- سرقت یا کنترل پول یا اشیای ارزشمند زن (که به خصوص مایه نگرانی زنان مسن تر است). وادار کردن زن به کار. آزار مالی: جلوگیری از حق کار زن.
- استفاده از باورهای مذهبی یا معنوی زن برای بازی دادن او، تسلط بر او و کنترلش. آزار معنوی:
- تعقیب زن یا تماشای او به شکل مداوم، خبثت آمیز و ناخواسته. تجاوز به حریم خصوصی زن به شکلی که تعقیب: آزار مجرمانه ایمنی شخصی او را به خطر بیندازد.

### 4- عامل خشونت علیه زنان چیست؟

- در جامعه ما، نابرابری جنسیتی در بسیاری از حوزه ها مشهود است، از جمله در سیاست، مذهب، رسانه ها، هنجارهای فرهنگی و محیط دریافت می کنند که می گوید طبیعی است که مردان قدرت اجتماعی بیشتری از - آشکار و پنهان - کار. هم مردان و هم زنان پیام هایی زنان داشته باشند.
- با این پیش زمینه، باور به این که مردان حق کنترل زنان را دارند، حتی با توسل به خشونت، آسان تر می شود. این باور نه تنها نادرست است، غیرقانونی نیز هست.
- علاوه بر جنسیت گرایی (سکسیسم)، بسیاری اشکال دیگر از نابرابری اجتماعی وجود دارد که منجر به آزار و خشونت می شود، از جمله نژادگرایی، بیگانه هراسی، طبقه گرایی، سن گرایی و آزار مذهبی.
- مدرکی در دست نیست که الکل یا بیماری روانی باعث اعمال خشونت مردان علیه زنان بشود. مردانی که به شریک زندگی خصوصی خود تعرض می کنند، به ندرت به دوستان خودشان، همسایه ها، روسا، یا بیگانه ها تعرض می کنند. در واقع، تا جایی که به الکل مربوط می شود، استاندارد دوگانه آشکاری وجود دارد: در حالی که مصرف الکل توسط فرد متعرض معمولاً برای توجیه رفتار او به کار می رود، زنانی که الکل مصرف کرده اند، اغلب نکوهش می شوند که خودشان در قربانی شدن آنها نقش داشته اند.

### 5- آیا مردان هم ممکن است به اندازه زنان مورد خشونت قرار گیرند؟

- خشونتی غیرقابل قبول است، و دیگر کمپین هایی را که برای پایان دادن به خشونت تلاش می کنند هر گونه ما عمیقاً باور داریم که تحسین می کنیم. در جایگاه سازمانی برای زنان، رسالت ما متمرکز بر زنان و دختران است. با این همه، برنامه های جلوگیری از خشونت میان نوجوانان، به طور یکسان برای پسران و دختران طراحی شده اند.
- به گزارش پلیس، در کانادا مردان (49 درصد) و زنان (51 درصد) به طور مساوی در خطر خشونت قرار دارند. با این همه، بسیار بیشتر احتمال دارد که مردان مورد تعرض به بیگانه یا کسی بیرون از خانواده خود قرار گیرند، در حالی که در مورد زنان بسیار بیشتر احتمال دارد که مورد تعرض کسی که می شناسند قرار بگیرند.
- تقریباً نیمی (49 درصد) از همه قربانیان مونث قتل در کانادا به دست شریک زندگی فعلی یا قبلی شان کشته شده اند. در مقابل، تنها هفت درصد قربانیان مذکر قتل به دست شریک زندگی شان کشته شده اند.
- برخی پژوهش ها درباره موارد گزارش شده توسط خود قربانیان نشان می دهند که زنان تقریباً به همان اندازه مردان احتمال دارد که علیه شریک زندگی شان دست به خشونت بزنند. هر چند برخی ادعا می کنند که مردان خجالت می کشند اذعان کنند که زنی آزارشان داده است، در عمل، عکس قضیه صادق است: در موارد گزارش شده توسط خود قربانیان، مردان گرایش دارند درباره خشونت شریک زندگی



خود اغراق کنند و خشونت خودشان را دست کم بگیرند. در عین حال، زنان درباره خشونت خودشان مبالغه می کنند و خشونت شریک شان را دست کم می گیرند. این امر توضیح می دهد که چرا موارد گزارش شده توسط خود قربانیان اغلب میزان مشابهی از خشونت توسط مردان و زنان را نشان می دهد، به رغم آن که پژوهش های دیگر به روشنی نشان می دهد که زنان به شکلی غیرقابل مقایسه، قربانی خشونت هستند.

- علاوه بر این، موارد گزارش شده توسط خود قربانیان روشن نمی کند که مردان احتمال بسیار بیشتری دارد که آغاز کننده خشونت باشند، در حالی که زنان بیشتر احتمال دارد که برای دفاع از خود متوسل به خشونت شوند.
- بیشتر مردان، خویشاوندانشان را آزار نمی دهند. با این همه، هنگامی که خشونت خانوادگی رخ می دهد، اکثریت قاطع قربانیان، زن هستند:

83 درصد از تمامی تعرض های خانگی گزارش شده توسط پلیس، علیه زنان بوده اند. این روند در مورد تمامی ایالت ها و 0 قلمروهای کانادا صادق است.

در خشونت میان همسران، زنان سه برابر بیشتر از مردان خشونت های شدید از قبیل خفگی، کتک خوردن، تهدید شدن با کارد یا 0 تپانچه و خشونت جنسی را تجربه می کنند. زنان احتمال بیشتری دارد که صدمه جسمی ببینند، مشمول حکم بازدارنده شوند، و نگران جانشان باشند.

- 0 در سی سال گذشته در کانادا، زنان سه تا چهار برابر بیشتر احتمال دارد که به دست همسرشان کشته شده باشند.
- 0 حدود هشتاد درصد قربانیان خشونت در حین دوستی، مونث بوده اند.
- 0 دختران بسیار بیشتر از پسران تعرض جنسی را تجربه کرده اند: 82 درصد از کل قربانیان زیر 18 سال، مونث بوده اند.
- 0 دختران چهار بار بیشتر از پسران احتمال دارد مورد تعرض جنسی یکی از اعضای خانواده قرار بگیرند.

## 6- چرا زنی که مورد آزار قرار می گیرد، رابطه را ترک نمی کند؟

- زنان بیشتر به این دلیل در رابطه می مانند که فرد آزاردهنده تهدید می کند که زن، خودش، یا کودکان را بکشد.
- زنان، به دلایلی موجه، این تهدیدها را باور می کنند. خطرناک ترین زمان برای زنی که مورد آزار قرار گرفته، زمانی است که شخص آزاردهنده را ترک می کند. حدود 25 درصد از همه زنانی که به دست همسرشان کشته شده اند، رابطه دوجانبه را ترک کرده بودند. در یک مطالعه، نیمی از زنان مقتول، ظرف دو ماه پس از ترک رابطه کشته شدند.
- برخی زنان به این دلیل می مانند که آزاردهنده تهدید کرده است که یک حیوان خانگی را آزار بدهد یا بکشد. در یک مطالعه، بیش از 60 درصد از زنانی که در پناهگاه اضطراری زندگی می کردند، حیوان خانگی خودشان یا کودکانشان مورد آزار شریک زندگی آزاردهنده قرار گرفته بود یا کشته شده بود.
- درصد از تمامی خشونت های دوران دوستی پس از آن که زن رابطه را قطع کرده، اتفاق افتاده است. حدود 60 گاهی زنان به این دلیل می مانند که از نظر مالی وابسته به شریکشان هستند. بیش از یک میلیون و دویست و بیست هزار زن کانادایی، همراه فرزندانشان، در فقر زندگی می کنند. زنانی که شریکشان را ترک می کنند تا خودشان کودکانشان را بزرگ کنند، بیش از پنج برابر احتمال دارد که در فقر به سر ببرند، تا زمانی که نزد شرکشان مانده بودند.
- برخی زنان به این دلیل می مانند که عمیقاً به حفظ انسجام خانواده باور دارند. گاهی اقوام خودشان یا شریک زندگیشان، گناه خشونت را به گردن زنان می اندازند و به ماندن او اصرار می کنند.
- خشونت خانگی اغلب فرایندی تدریجی است که در آن، تناوب تعرض ها و شدت خشونت به آهستگی در طول زمان افزایش می یابد. از آنجا که آزاردهنده ها اغلب ابراز پشیمانی عمیق می کنند و قول می دهند که عوض بشوند، ممکن است برای زن سال ها طول بکشد که اذعان کند خشونت متوقف نخواهد شد و زندگی اش قابل نجات نیست. تجربه درازمدت آزار دیدن می تواند اعتماد به نفس زن را از بین ببرد و باور این موضوع را که او شایسته برخورد بهتری است، و این که می تواند شجاعت ترک رابطه را به دست بیاورد یا می تواند زندگی خودش را اداره کند، دشوارتر می شود.

## 6- چه کسی بیشتر در معرض خطر است؟

- خشونت علیه زنان در همه فرهنگ ها و ادیان رخ می دهد، در تمامی جوامع قومی و نژادی، در هر سنی و در هر گروه درآمدی.
- با این همه، برخی زنان به طور خاص در معرض خطرند:
- 0 زنان بومی (فرست نیشن ها، اینوییت ها و متی ها) هشت برابر بیشتر از زنان غیر بومی احتمال دارد که به دست شریک زندگی خصوصی شان کشته شوند. زنان بومی سی و نیم برابر بیشتر از زنان غیر بومی احتمال دارد که قربانی خشونت شوند.

بر اساس گزارش های پلیس و نیز گزارش های خود قربانیان، زنان جوان در معرض خطر بسیار بیشتری هستند. شصت و شش درصد 0 همه قربانیان مونث تعرض جنسی زیر 24 سال دارند. (11 درصد آنها زیر یازده سال دارند). میزان جرایم خشن علیه زنان 15 تا 24 ساله، 42 درصد بیشتر از همان میزان برای زنان 25 تا 34 ساله، و حدود دو برابر همان میزان برای زنان 35 تا 44 ساله است. میزان قتل زنان 15 تا 24 ساله حدود سه برابر میزان تمامی قربانیان مونث خشونت خانگی است.

شصت درصد از زنان دارای معلولیت، نوعی از خشونت را تجربه می کنند. به گزارش شبکه زنان معلول کانادا، زنان دارای معلولیت، همان انواعی از خشونت را تجربه می کنند که زنان دیگر، به علاوه انواع دیگری از خشونت که به معلولیتشان مربوط می شود، از جمله دشواری بیشتر در ترک فرد آزاردهنده به دلیل مشکلات حرکتی و ارتباطی، میزان بالاتر آزار عاطفی، محرومیت از استفاده از وسایل کمکی ضروری (ویلچر، عصا، وسایل تنفسی و غیره)، و آزار به دست پرستاران ویا دیگر ساکنان منزل.

زنان مهاجر ممکن است به دلیل وابستگی اقتصادی، مشکل زبان و فقدان اطلاعات درباره منابع اجتماعی، در برابر خشونت خانگی آسیب پذیرتر باشند. مهاجران تازه وارد کانادا که دچار آسیب های ناشی از جنگ یا دولت های سرکوب گر بوده اند، به دلیل ترس از قربانی شدن یا حتا اخراج شدن از کشور، بسیار کمتر احتمال دارد که خشونت جسمی یا جنسی را به مسئولان گزارش کنند.

مطالعه ای " بسیاری از زنان اقلیت قومی برای گزارش موارد تعرض جسمی یا جنسی یا درخواست کمک، با موانعی روبرو هستند. 0 در باره زنان جوان رنگین پوست در تورنتو نشان داد که از هر پنج نفر آنها، یک نفر تجربه برخورد نژاد پرستانه را در نظام درمانی داشته، از "جمله بی تفاوتی فرهنگی، متلک های نژادی و کیفیت نازل خدمات.

## 7- خشونت خانگی چه اثری بر کودکان دارد؟

- ولی تحقیقات نشان می دهد که کودکان بسیاری از تعرض های "بچه ها نمی فهمند" گرچه بزرگ سالان ممکن است تصور کنند که خشونت آمیز خانگی را می بینند یا می شنوند.
- تخمین زده می شود که هر سال در کانادا حدود 362 هزار کودک، خشونت خانگی را مشاهده یا تجربه می کنند.
- خشونت خانگی در منازلی که کودکان کوچک تر در آن زندگی می کنند بیشتر از منازلی با کودکان بزرگ تر است.
- کودکانی که شاهد خشونت بوده اند در معرض خطر فوری جراحت جسمی قرار دارند. کودکانی که در منازلی پر از خشونت بزرگ می شوند بیشتر احتمال دارد قربانی آزار جسمی شوند.
- کودکی که شاهد خشونت والدین بوده، خود نوعی کودک آزاری را تجربه می کند، زیرا تحقیقات نشان می دهد که RCMP به گزارش "مشاهده خشونت خانوادگی به اندازه تجربه مستقیم خشونت، زیان آور است."
- گرچه همه کودکانی که شاهد خشونت بوده اند مورد آزار جسمی مستقیم قرار نمی گیرند، ولی متناوباً دچار مشکلات درازمدت رفتاری و روانی می شوند.
- قرار گرفتن در معرض خشونت می تواند بر تکامل مغز و توانایی یادگیری کودکان اثر بگذارد و به مجموعه ای مشکلات رفتاری و عاطفی از جمله اضطراب، پرخاش جویی، زورگویی، انواع هراس و بی خوابی منجر شود.
- تحقیقات نشان داده است که کودکانی که تحت خشونت بوده اند بیشتر احتمال دارد در بزرگسالی قربانی یا خشونت گر شوند.
- میزان اختلالات روانی در کودکانی که شاهد خشونت در خانه بوده اند دو برابر بیشتر از کودکانی است که شاهد خشونت در خانه نبوده اند.

## 8- اگر به نظر من کسی مورد آزار باشد، چه باید بکنم؟

- اگر کسی در خطر فوری است، به پلیس یا شماره اورژانس محل تان تلفن کنید.
- ایمنی زن در درجه اول اهمیت است. هیچگاه با کسی در حضور آزاردهنده اش صحبت نکنید. اگر زنی به طور خاص درخواست نکند، هیچگاه اطلاعاتی در باره خشونت خانگی به او ندهید و پیام صوتی یا ایمیلی برای او نفرستید که احتمال داشته باشد به دست آزاردهنده اش بیافتد. ولی آزار در خفا رشد می کند، بنابراین اگر می توانید در شرایط امنی در این باره صحبت کنید.
- اگر زن می خواهد صحبت کند، گوش بدهید. اگر نمی خواهد، فقط به او بگویید که سزاوار آزار نیست و شما نگران ایمنی او هستید. از او بپرسید آیا کمکی از شما ساخته است یا نه، ولی انجام کاری که شما را ناراحت می کند یا احساس ناامنی به شما می دهد پیشنهاد نکنید.
- اگر زن تصمیم با ماندن در رابطه گرفت، بکوشید درباره اش داوری نکنید. به یاد داشته باشید که ترک کردن آزاردهنده می تواند بی نهایت خطرناک باشد. گاهی ارزشمندترین کاری که می توانید بکنید، احترام گذاشتن به زنی است که مورد آزار قرار دارد.
- درباره خدمات اضطراری در محلی که زندگی می کنید، از قبیل پناهگاه زنان یا مرکز تعرض جنسی، اطلاعاتی به دست آورید. در اینترنت یا راهنمای تلفن جستجو کنید.

## 9- آیا خشونت علیه زنان هیچگاه متوقف خواهد شد؟

- است، این رفتارها را می "خصوصی" هرچند عده ای تصور می کنند که خشونت علیه زنان موضوعی خیلی جدی نیست یا مسئله ای توان تغییر داد. زمانی رانندگی در حال مستی تقریباً شوخی به شمار می آمد، ولی به لطف کمپین های نیرومند، این کار دیگر از نظر اجتماعی قابل قبول نیست و مجازات های کیفری شدیدی در پی دارد. به همین ترتیب، آموزش عمومی، برنامه های پیشگیری از خشونت و برخوردهای قانونی جدی می تواند به خشونت علیه زنان در کانادا پایان دهد.
- پیشگیری از خشونت نتیجه بخش است. تحقیقات نشان می دهد که برنامه ای پیشگیری از خشونت در دبیرستان ها بسیار نتیجه بخش هستند. حتی سال ها پس از حضور در یکی از برنامه های ما، دانش آموزان مزایای بلند مدتی مانند روابط دوستانه بهتر، توانایی شناخت و ترک یک رابطه ناسالم، و افزایش اعتماد به نفس، ابراز عقیده و رهبری را تجربه کردند.

موجود است بخوانید. [www.canadianwomen.org](http://www.canadianwomen.org) ما را که در وبسایت ما به نشانی "روابط سالم" (برای اطلاعات بیشتر، گزارش

- شما هم می توانید کمک کنید. اگر مدرسه محلی شما برنامه پیشگیری از خشونت برای نوجوانان ندارد، از مسئولانش بخواهید این در کانادا، مسئله ای جدی از نظر شما، خشونت علیه زنان و دختران برنامه را راه اندازی کنند. به نمایندگان منتخبان خود بگویید است. از آنها بخواهید هر چه می توانند برای پایان دادن به خشونت بکنند.

منبع: <http://www.canadianwomen.org/facts-about-violence>

## قواعد عمومی مجازات در خشونت خانگی علیه زنان



عکس: United Nations Development

### وکیل و پژوهشگر - محمد اولیایی فرد

یکی از بحران های اجتماعی پیش رو جوامع مختلف از جمله ایران است که زمینه و علل آن را می توان در خشونت خانگی علیه زنان ۳۹۹۱، خشونت علیه بر اساس تعریف سازمان ملل متحد در سال ضعف ها و کاستی های فرهنگی، اجتماعی و حقوقی جستجو کرد هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی یا روانی مضر و با رنج «زنان عبارت است از: با توجه به این تعریف چنانچه این اعمال در محیط خانه و نسبت به همسر صورت گیرد موضوع خشونت خانگی یا همسر «زنان همراه شود آزاری محقق می گردد، که از مهمترین ابعاد آن می توان به خشونت جسمی، کلامی، روانی و اقتصادی اشاره کرد.

زن و شوهر مکلف" اما در ایران خشونت خانگی علیه زنان به طور اختصاصی تعریف قانونی نشده، ماده 1103 قانون مدنی بیان می دارد اما ضمانت اجرای اختصاصی برای سوء معاشرت در قانون مطرح نشده است، شاید بتوان به مواد 1115 " به حسن معاشرت با یکدیگرند و 1130 قانون مدنی به عنوان ردپایی از پیش بینی خشونت خانگی علیه زنان در قوانین اشاره کرد، زیرا ماده 1115 قانون مدنی مقرر می اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علیحده اختیار " دارد: کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و « معذوراست نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. همچنین ماده 1130 قانون مدنی اذعان می دارد: بنابراین از آنجا که خشونت خانگی علیه زنان در حوزه «حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید مستقل قانونی قرار نگرفته به همین جهت برای مهار و برخورد با آن لاجرم باید به قواعد و مقررات عمومی و ادله اثبات آن مراجعه کرد.

الف : قواعد و مقررات عمومی در برخورد با خشونت خانگی علیه زنان

طبق قانون، هر گونه ایراد صدمات بدنی عمدی ناشی از خشونت جسمی در مبحث قصاص و دیات. **خشونت جسمی: 1-**

مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و « در این خصوص ماده 386 قانون مجازات مقرر می دارد: همچنین ماده 387 در «صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد. وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه های وارد بر منافع» تعریف جنایت بر عضو بیان می کند: «است»

هر جند باید توجه داشت که برای انجام قصاص توسط زنان قربانی خشونت جسمی محدودیت قانونی نیز در نظر گرفته شده است. بر این دیه زن و مرد در اعضاء و منافع « بین زن و مرد مقرر می دارد: در مقام بیان تفاوت دیه اعضاء 560 قانون مجازات اسلامی اساس ماده به همین جهت ماده 388 قانون «تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می یابد. زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی « مجازات اسلامی در خصوص قصاص عضو از سوی زن مقرر می دارد: که به زن وارد می کند، به قصاص محکوم می شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می شود. حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی علیه، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، «قصاص می شود»

بدنی عمدی با وجود تحقق شرایطی دارای جنبه عمومی نیز بوده و حتی با گذشت شاکی خصوصی، مانعی در جهت البته، ایراد صدمات «هرکس عمدا» اجرای مجازات از باب مصالح اجتماعی نمی باشد. که در این خصوص ماده 614 قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات " تبصره این ماده نیز بیان می دارد " مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود. "فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد .

البته سخت به نظر می رسد که عدم اجازه خروج زن از منزل توسط شوهر و یا اساسا سلب آزادی از زنان را توقیف غیرقانونی خواند ولی علی رغم اینکه تا کنون در قوانین نسبت به خشونت در بستر زناشویی جرم انگاری نگرندیده ولی شاید بتوان ارتباط جنسی مقعدی را نوعی از خشونت جسمی تلقی و پیگیری کرد.

انجامد. شود و به جسمی می: خشونت کلامی شاید رایج تر از خشونت جسمی باشد زیرا خشونت از کلامی آغاز می **خشونت کلامی 2-** کسانی که خشونت جسمی را تجربه می کنند، پیش از آن مورد خشونت کلامی قرار گرفته اند؛ توهین و فحاشی، افتراء و هتک حرمت، بدون لعان از مواردی است که به عنوان خشونت کلامی در قوانین کیفری بدون منظور داشتن نوع جنسیت قذف (نسبت دادن زنا یا لواط) توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال «قانون مجازات اسلامی توهین با عنوان کلی چنین مقرر گردیده: ۸۰۶ در ماده پیش بینی شده «ضربه ویا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. ۴۷ الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا از تعرض اشخاص و شغل، مسکن، حقوق، مال، جان حیثیت «مبنای این مجازات البته بر اصل 22 قانون اساسی است که مقرر می دارد: منع سایر خشونت ها نیز منبعث از این اصل است. «تجویز کند. قانون که مگر در مواردی است مصون

: خشونت اقتصادی در شکل عدم پرداخت نفقه شاید تنها موردی از خشونت خانگی علیه زنان باشد که قانون به **خشونت اقتصادی 3-** «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است. «1106 قانون مدنی بیان می دارد: لحاظ جنسیت آنرا مورد پیش بینی قرار داده ماده نفقه عبارت است از همهی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، «ماده 1107 در توضیح نفقه مقرر می دارد: باید توجه داشت طبق «غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه نقصان یا مرض. اصول حقوقی حاکم بر رسیدگی در دعاوی نفقه اصل بر عدم پرداخت نفقه است مگر آنکه خلافش ثابت گردد به همین جهت ماده 642 هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر « قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: البته باید توجه داشت که این ماده «اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید. مختص به شکایت کیفری در مورد نفقه بوده که تنها برای یک نوبت در همراه قابل اعمال است ولی برای دریافت نفقه معوقه می بایست از طریق دادخواست حقوقی اقدام گردد. تعیین مقدار نفقه براساس عرف و نظر کارشناسان پرونده می باشد که معمولاً از مقدار واقعی نازل تر خواهد بود.

این نوع خشونت ها رایج تر از خشونت : خشونت های روانی بخش مهمی از خشونت علیه زنان را تشکیل می دهد **خشونت روانی 4-** های جسمی، کلامی و اقتصادی می باشد. قهر و کم محلی، چشم چرانی، تحقیر و سرزنش، بدبینی همسر، قطع رابطه جنسی، ممانعت از اشتغال و تحصیل از جمله شایع ترین نوع خشونت روانی محسوب می گردد، این نوع خشونت از آنجا که در اکثر موارد قابل اثبات در

محکمه نمی باشد از رنج آورترین نوع خشونت تلقی می گردد به همین سبب تنها هنگامی که خشونت روانی در قالب یک جرم عمومی قرار گیرد امکان رسیدگی قضایی به آن مسیر خواهد بود.

### ادله اثبات دعوی ب :

تابع قواعد و مقررات عمومی مجازات می باشد لذا ادله اثبات دعوی آن نیز تابع قواعد و از آنجا که مهار خشونت خانگی علیه زنان مقررات عمومی است، ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی است. در کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در حدود، نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفریح و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد، حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، با سوگند اثبات می گردد.

علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی طور صریح در حکم قید کند. است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به

مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد.

## نگرانی زنانی که از ترس طلاق خشونت خانگی را گزارش نمی دهند



زنی هستم که مدت 16 سال پیش ازدواج کرده ام و دو فرزند دارم. تمام این سال ها توسط شوهرم مورد خشونت بوده ام. پرسش: خشونت جسمی، روانی، کلامی و دشنام ها و افتراهای جانکاه، را همیشه تحمل کرده ام به این امید که کار به طلاق نکشد و شوهرم پا به سن بگذارد و عاقل شود. دیگر به جان آمده ام. آیا راهی هست که طلاق نخواهم، اما او را وادار به تغییر رفتار کنم؟

منظورتان این است که اساساً وارد مراحل دادخواهی و مراجعه به مراجع قضائی نشوید؟ پاسخ:

بله. ترجیح من این است. پرسش:

در این صورت از حمایت های قانونی بهره مند نخواهید شد. می توانید از طریق طرح موضوع در محفل خانوادگی و با حضور افراد پاسخ: مورد اطمینان شوهرتان، تغییری در رفتار شوهر بدهید و در حضور آنها از او قول بگیریید در رفتارش تجدید نظر کند.

بارها این راه حل را تجربه کرده ام. ولی فقط تا مدت کوتاهی تاثیر داشته و دوباره همه چیز به حالت قبلی بازگشته است. اکنون پرسش: دخترک 14 ساله ام هم شده است هدف خشونت های پدرش.

ببینید به دست خودتان و با سکوت و تسلیم، کانون خانواده را متلاطم کرده اید و همواره شوهر تصورش این بوده که مردانگی پاسخ: یعنی خشونت نسبت به زن و فرزند. این تصور را شما در او تقویت کرده اید.

به من حق بدهید. زن خانه داری هستم و در صورت جدا شدن سرپناهی و تامینی ندارم. او هم این را می داند و به همین دلیل پرسش: احساس می کند راه گریزی ندارم.

آیا هرگز او را تهدید به اقدام برای طلاق کرده اید؟ پاسخ:

یک بار از فرط خستگی اعلام کردم که تا مدتی در رفتارش تجدید نظر کرد و بعد خشونت را از سر گرفت. پرسش:

آیا می دانید با آن که مردان برای طلاق از حقوق وسیع و نامحدودی برخوردارند، به ندرت از طلاق استقبال می کنند؟ پاسخ:

بله. این را در همین زناشوئی خشونت بار فهمیده ام. ولی از بس از طلاق می ترسم، وارد طرح موضوع نشده ام. پرسش:

حالا که همه راه های صلح آمیز را تجربه کرده اید و ثمری نداشته است، بروید سراغ قانون و دادخواهی. پاسخ:

آن وقت حتما منجر به طلاق می شود؟ پرسش:

. از این بار هروقت مرتکب خشونت شد راهی پلیس و پزشکی قانونی و دادسرا و دادگاه بشوید و با در دست داشتن "نه لزوما پاسخ: گواهی پزشکی قانونی و استفاده از شهود دعوی را پیش ببرید.

دعوی و شکایت به کجا می رسد؟ پرسش:

باید به تکرار این اقدامات قضائی را ادامه دهید. در هر مورد تا محکومیت قطعی شوهر پیش بروید. بعد با استناد به همه آنها و پاسخ: معرفی شهود بروید دادگاه خانواده و از دادگاه با توجه به این که در خانه شوهر امنیت جانی و رفاه و احترام ندارید، تعیین تکلیف بخواهید. بنویسید که شوهر با وجود آراء دادگاه در رفتارش تجدید نظر نمی کند و با او در یک خانه احساس ناامنی می کنید. به جلسه رسیدگی که رسید به ریاست دادگاه رو کنید و بگوئید حاضرم یک شانس دیگر به او بدهم تا کانون خانوادگی ما از هم نپاشد. موافقت تنظیم بشود و در متن آن تعهد کند که رفتار خشونت آمیز در خانه را کنار بگذارد و به من "گزارش اصلاحی" کند تا در حضور شما یک اختیار بدهد تا در صورت تکرار خشونت و اثبات آن در دادگاه، بتوانم خودم را طلاق بدهم. این توافق نامه را شوهر و شما و مقام ریاست دادگاه امضاء می کنند و به اندازه یک رای قطعی معتبر و قابل اجراست.

اگر امضاء نکرد چه می شود؟ پرسش:

باز هم این پرونده یک فرصت بزرگ در اختیارتان می گذارد تا در صورت تکرار خشونت تقاضای طلاق کنید و در این صورت پاسخ: شانس شما برای طلاق زیاد است. ممکن است به عجز و لایه از شما بخواهد که طلاق نگیرید. در این صورت دوباره با او راهی دادگاه بشوید برای امضای یک گزارش اصلاحی تقاضا و دادخواست بدهید. آن چه مسلم است پس از 16 سال زندگی مشقت بار، اگر این مرد به شیوه مسالمت آمیز و قانونی نخواهد به راه بیاید، اصرار شما برای ادامه زندگی محنت بار زناشوئی عاقلانه و منطقی نیست و در سنین بالا بیشتر صدمه خواهید دید.